

بررسی سندی و محتوایی کتاب سلیم بن قیس

روح الله علیی

درباره کتاب سلیم دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد که با جستجو در کتاب‌های رجال و حدیثی سه نظریه زیر به دست می‌آید:

۱ - نظریه اول: گروهی کتاب سلیم را از اصول مستند و معتبر دانسته‌اند. در راس این گروه ابوزینب محمد بن ابراهیم نعمانی قرار دارد. وی در کتاب الغیبه چنین می‌گوید: «شک نیست که (در میان شیعیان از بین کسانی که علم را حمل و آن را از ائمه روایت کرده‌اند) کتاب سلیم بن قیس هلالی از ارزشمندترین اصول شیعه به شمار می‌رود. زیرا، آنچه در این اصل آمده است همه از مقداد و سلمان و ابوذر و مانند آنها که پیامبر و علی (ع) را دیده‌اند و کلامشان را شنیده‌اند نقل شده است. کتاب سلیم از اصولی است که شیعه به آن رجوع می‌کند و بر آن اعتماد

می‌نماید».^(۱) از دیگر طرفداران این نظریه در بین معاصرین می‌توان به آقابزرگ تهرانی^(۲)، علامه محمدتقی مجلسی، علامه محمد باقر مجلسی، شیخ حرعاملی، علامه تفرشی و سید هاشم بحرانی^(۳) اشاره کرد.

۲ - نظریه دوم: براساس این نظریه از یک سو کتاب سلیم و سند آن اجمالاً درست و ادله این غضائری بر مجعول بودن کتاب نادرست شمرده می‌شود و از سوی دیگر برخالی از تحریف و تدلیس نبودن نسخه‌های کتاب که از قرون بعد برجای مانده است تأکید شده است. شیخ مفید در کتاب تصحیح الاعتقاد چنین می‌گوید: «... اما به این کتاب اعتمادی نیست و شایسته است متدینان از عمل به آنچه در آن است خودداری کنند و از اعتماد به آن پرهیزند و از تقلید از روایاتش دوری نمایند و در احادیث این کتاب به علما متوسل شوند تا آنان را بر صحیح و فاسد آن آگاه سازند».^(۴) علامه حلی را نیز می‌توان در این گروه قرار داد چه ایشان در ترجمه سلیم بن قیس می‌گوید: «الوجه عندی بالحکم بتعدیل مشارالیه والتوقف فی الفاسد من کتابه». از این عبارت استفاده می‌شود که منظور علامه همه روایات کتاب نبوده است. از این رو شایسته است که ایشان را جزء این دسته به شمار آوریم.

۳ - نظریه سوم: این نظر را کسانی ابراز کرده‌اند که کتاب را از اساس مجعول و موضوع می‌دانند و اسناد این کتاب را به سلیم مخدوش می‌شمارند. ابن غضائری ظاهراً اولین کسی است که این سخن را مطرح کرده است. او می‌گوید: «کتاب موضوع است و اعتنایی به آن نیست... و اصحاب ما وضع کتاب سلیم را به أبان بن

۱- محمد بن ابراهیم النعمانی، غیبت نعمانی، ترجمه محمد جواد غفراری، تهران: مکتبه الصدوق، ۱۳۷۶، ص ۱۴۶-۷.

۲- آقابزرگ تهرانی، الذریعة فی تصانیف الشیعه، تهران: چاپخانه مجلس شورای ملی، ۱۳۶۰، ق.

۳- سلیم بن قیس الهلالی، کتاب سلیم بن قیس الهلالی، تحقیق محمد باقر انصاری، قم: دلیل ما، ۱۴۱۲، ق، ص ۳۸ - ۳۶.

۴- ابوالقاسم خویی، معجم رجال الحديث، قم: مرکز نشر اسلامی، ۱۴۱۳، ق، ج ۹، ص ۲۳۹.

ابی عیاش نسبت داده‌اند»^(۱) شهید ثانی و سید بن طاووس نیز بر این قول صحه گذاشته‌اند. از معاصرین کسانی چون علامه شعرانی، علامه حسن زاده آملی^(۲) و آقای بهبودی این نظر را پذیرفته‌اند، با این تفاوت که آقای بهبودی وضع کتاب را کاریکی از غلاة می‌داند نه أبان بن ابی عیاش.^(۳)

در این مقاله ابتدا به بررسی اسناد کتاب سلیم می‌پردازیم و سپس اشکالاتی را که در زمینه سندی و محتوایی بر این کتاب وارد شده است بررسی می‌کنیم:

بررسی سندهای کتاب سلیم بن قیس

۱ - سند نجاشی^(۴)

(أخبرني) علي بن احمد القمي (قال) حدثنا محمد بن الحسن بن الوليد (قال) حدثنا محمد بن ابی القاسم ماجيلويه عن محمد بن علي الصيرفي عن حماد بن عيسى و عثمان بن عيسى (قال) حماد بن عيسى و حدثنا ابراهيم بن عمر اليماني عن سلیم بن قيس بالكتاب.

علی بن احمد القمی (معروف به ابی جید): از مشایخ نجاشی^(۵) و طوسی^(۶) و از راویان ثقة است.

۱- علامه حلی خلاصة الاقول فی معرفة الرجال. قم: انتشارات اسلامی، ۱۴۱۷ ق، ص ۱۶۳.

۲- نادعلی عاشوری تلویکی. نگاهی به مقدمه کتاب اسرار آل محمد. فصلنامه علوم حدیث. سال ۵، ش ۳، پاییز ۷۹، ص ۷- ۱۷۵.

۳- محمد باقر بهبودی. معرفة الحديث. تهران: مرکز انتشارات علمی فرهنگی، ۱۳۶۲، ص ۲۵۹.

۴- احمد بن علی نجاشی. رجال النجاشی. تحقیق محمد جواد نائینی. بیروت: دارالاضواء، ۱۴۱۸ ق. ج ۲، ص ۹- ۶۸.

۵- محمد جواهری. المفید من معجم رجال الحديث. قم: کتابخانه محلاتی، ۱۴۱۷ ق، ص ۵۱۶.

۶- نجاشی. ج ۱، ص ۲۹.

- محمد بن حسن بن ولید: شیخ طوسی و نجاشی او را ثقه می‌دانند. (۱)
- محمد بن ابی القاسم (ماجیلویه): نجاشی او را از راویان ثقه می‌داند. (۲)
- محمد بن علی الصیرفی: نجاشی و شیخ طوسی او را ضعیف می‌دانند و به او نسبت غلو داده‌اند (۳) ولی علامه مامقانی با ذکر دلایلی نسبت غلو را به او بیجا می‌داند و او را از جمله ثقات برمی‌شمارد. (۴)
- حماد بن عیسی: نجاشی و شیخ طوسی او را ثقه می‌دانند. (۵)
- عثمان بن عیسی: وی ابتدا واقفی بوده است ولی بعد توبه کرده است. شیخ طوسی و ابن شهر آشوب او را ثقه می‌دانند. (۶) علامه مجلسی او را ثقه غیر امامی می‌داند. (۷)
- ابراهیم بن عمر الیمانی: نجاشی وی را ثقه می‌داند. (۸)
- اگر قول علامه مامقانی را در توثیق محمد بن علی الصیرفی بپذیریم سند کاملاً صحیح خواهد بود.

اشکالهای وارد بر سند نجاشی

علامه شوشتری روایت بی واسطه ابراهیم بن عمر از سلیم را عجیب می‌داند و برای اثبات سخن خود سندهایی را از کافی مثال می‌آورد که در آن ابراهیم بن عمر از

- ۱- محمد بن حسن طوسی. الفهرست. قم: مؤسسه فرهنگ اسلامی، ۱۴۱۳ ق، ص ۲۳۷ و النجاشی. ج ۲، ص ۳۰۱.
- ۲- نجاشی. ج ۲، ص ۲۵۱.
- ۳- طوسی. ص ۲۲۳ و نجاشی. ج ۲، ص ۲۱۷.
- ۴- عبدالله مامقانی. تنقیح المقال فی علم الرجال. تهران: انتشارات جهان. ج ۳، ص ۱۵۷ و ۱۵۱.
- ۵- طوسی. ص ۱۱۵ و نجاشی. ج ۱، ص ۳۲۷.
- ۶- نجاشی. ج ۲، ص ۱۵۶.
- ۷- محمد باقر مجلسی. الوجیزه فی الرجال. تصحیح و تحقیق محمد کاظم طباطبائی، رحمان ستایش. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۴۲۰ ق، ص ۲۱۶.
- ۸- نجاشی. ج ۱، ص ۹۸.

این اذینه از سلیم روایت نقل کرده است و معتقد است عمر بن اذینه از این سند افتاده است. ^(۱) آیت الله خویی معتقد است که روایت بی واسطه ابراهیم بن عمر از سلیم منافاتی با این ندارد که ابراهیم کتاب را از سلیم سماع کرده باشد (در حالی که ابان هم به صورت مناوله و هم سماع کتاب را دریافت کرده است) و روایت ابراهیم از سلیم (بدون واسطه) را ممکن می‌داند؛ چه ابراهیم بن عمر از اصحاب امام باقر (ع) است. ^(۲)

منشأ اختلاف این دو بزرگوار در این است که آیت الله خویی قول شیخ طوسی را در خصوص اینکه سلیم از اصحاب امام باقر (ع) است پذیرفته است، بنابراین روایت ابراهیم بن عمر را از او ممکن می‌داند. در حالی که علامه شوشتری با استناد به روایت کشی مبنی بر مرگ سلیم در زمان امام سجاد (ع)، احتمال اینکه سلیم از اصحاب امام باقر (ع) باشد را رد می‌کند و روایت ابراهیم بن عمر را از سلیم عجیب می‌داند. مرحوم شیخ علی اصغر جابلقی بروجردی در طوائف المقال، ابراهیم بن عمر و ابان بن ابی عیاش را هم طبقه می‌داند. ^(۳) بر این اساس روایت ابراهیم بن عمر از سلیم ممکن است. چه در تعریف طبقه آمده است که «طبقه در اصطلاح جماعتی را گویند که از لحاظ سن و درک استاد و مشایخ هم عصر باشند». ^(۴)

مرحوم آقابزرگ تهرانی در الذریعه در این مورد معتقد است که این نقل روایت امکان پذیر است با این تفاوت که طریق تحمل ابان، مناوله بوده است ولی ابراهیم بن عمر از طریق دیگری کتاب را دریافت کرده است. ^(۵) علامه شوشتری اشکال دیگری نیز بر این سند می‌گیرد به این مضمون که نجاشی در سند، حماد بن عیسی،

- ۱- محمد تقی التستری. قاموس الرجال. قم: انتشارات اسلامی، ۱۴۱۰ ق. ج ۵، ص ۲۳۵.
- ۲- خوئی. ج ۹، ص ۲۳۷.
- ۳- سید علی اصغر جابلقی بروجردی. طوائف المقال فی معرفة طبقات الرجال. تحقیق مهدی رجائی. قم: کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، ۱۴۱۰ ق. ج ۲، ص ۷.
- ۴- رضا مودب. پژوهشی در مصطلح الحدیث یا علم الدرايه. قم: احسن الحدیث، ۱۳۷۸. ص ۱۶۳.
- ۵- آقا بزرگ تهرانی. ج ۲، ص ۱۵۴.

و عثمان بن سعید را آورده و سپس گفته است: «قال حماد بن عیسی» و دیگر عثمان بن عیسی را نیاورده است درحالی که درست آن است که می‌گفت: «حماد بن عیسی و عثمان بن عیسی عن ابراهیم بن عمر...»^(۱)

آیت الله بروجرودی هم در مورد سند این کتاب می‌گوید: «این سند مضطرب است و نمی‌دانم که عثمان بن عیسی در این سند چه دخالتی دارد». ^(۲)

۲- سند شیخ طوسی در الفهرست^(۳)

قال حدثنا ابن ابی جید عن محمد بن الحسن ابن احمد بن الولید و محمد بن ابی القاسم الملقب بما جیلویه عن محمد بن علی الصیرفی عن حماد بن عیسی عن ابان بن ابی عیاش عن سلیم بن قیس الهلالی.

بدلیل آنکه در سلسله این سند ابان بن ابی عیاش وجود دارد و در مورد وی دیدگاههای مختلفی از طرف علمای علم رجال شیعه و اهل سنت وجود دارد، در اینجا به بررسی این دیدگاهها می‌پردازیم.

ابان بن ابی عیاش از تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

الف: از دیدگاه اهل سنت: ^(۴) ابن حجر عسقلانی در کتاب تهذیب الکمال آرای علمای اهل سنت را در مورد وی گردآوری کرده است که به برخی از آنها اشاره می‌شود:

احمد بن حنبل: متروک الحدیث، ترک الناس حدیثه منذ هرب؛

۱- تستری. ج ۵، ص ۲۳۵.

۲- محمد رضا حسینی جلالی. المنهج الرجالی و العمل الرائد فی الموسوعة الرجالية سید الطائفة آية الله العظمی بروجرودی. قم: مطبعة مكتب الاعلام الاسلامی، ۱۳۷۸. ص ۱۸۱ - ۱۸۰.

۳- طوسی. ص ۱۴۳.

۴- ابن حجر عسقلانی. تهذیب التهذیب. بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۸. ق، ج ۱، ص ۷ -

بخاری: کان شعبه سیء الراى فيه؛

ابن ادیس به نقل از شعبه بن حجاج: اگر مرد زنا کند بهتر از آن است که از ابان نقل حدیث کند؛

شعیب بن حرب می گوید از شعبه شنیدم که می گفت: خوردن ادرا را الاغ نزد من دوست داشتنی تر از آن است که بگویم حدثنی ابان؛
ابن سعد: بصری، متروک الحدیث؛

نسائی دارقطنی و ابو حاتم وزداد: کان رجلاً صالحاً و لکنه بلی بسوء الحفظ؛
مالک بن دینار: ابان بن ابی عیاش طاووس القراء.

ب: از دیدگاه شیعه: علامه حلی^(۱) او را تابعی بسیار ضعیفی می داند که از انس بن مالک و علی بن حسین حدیث نقل کرده است. علامه حلی به خاطر شهادت ابن غضائری بر ضعف او بدین عبارت که: «التفاتی به او نمی باشد و اصحاب ما وضع کتاب سلیم را به او نسبت داده اند»، نظر او هم توقف بر روایات منقول از ابان است.

شیخ طوسی او را از اصحاب امام سجاد و امام باقر و امام صادق (علیهم السلام) می داند و در مورد او می گوید: «تابعی ضعیف»^(۲)؛
مجلسی دوم نیز او را تضعیف کرده و درباره ی او گفته است: «ابان ابن ابی عیاش، ضعیف»^(۳).

علامه سید محسن امین در مورد تضعیف ابان از طرف شیخ و علامه حلی می گوید: «واضح است که منشأ تضعیف ابان از طرف شیخ، گفته ابن غضائری است». علامه حلی هم خود تصریح می کند که بنا بر گفته او حکم به تضعیف ابان داده است. در حالی که حال ابن غضائری در تضعیف افراد روشن و معلوم است و

۱- علامه حلی. ص ۱۶۳.

۲- محمد بن حسن طوسی. رجال الطوسی. تحقیق جواد قیومی. قم: انتشارات اسلامی، ۱۴۱۵ ق، ص ۲۱۶.

۳- مجلسی. ص ۱۲.

۴- سید محسن امین. اعیان الشیعه. بیروت: دارالتعارف للمطبوعات، ۱۴۲۰ ق، ج ۳، ص ۳۲.

بر تضعیف او اعتمادی نیست.

وی همچنین این قول احمد بن حنبل در مورد ابان که «انه کان هوی»، ای من اهل الهوی را دلیل تشیع او می‌داند؛ چه مراد از هوی در عبارات اهل سنت، تشیع است؛^(۱)

آیت الله نمازی شاهرودی: «جزمیت به ضعف او مشکل است؛ بخصوص اینکه کسی مثل سلیم کتابش را به او داده است و او را پسر برادر خطاب کرده است... چنین شخصی شیعی و ممدوح است و نسبت وضع کتاب به ابان اصل و اساسی ندارد. ادعای ما وقتی قوی تر می‌شود که قول شیخ ابوعلی را به آن بیفزاییم: «من دیدم که اصل تضعیف ابان از طرف مخالفین به خاطر تشیع اوست». پس از اثبات وثاقت سلیم، ثقة بودن ابان هم مشخص می‌شود چرا که سلیم کتاب خود را به او داده است». ^(۲) وی می‌گوید: «به احتمال قوی شیخ تضعیف ابان را از گفته این غضائری گرفته است». ایشان در ادامه دلایلی از محدث نوری را در اثبات وثاقت ابان می‌آورد که عبارتند از:

۱ - بر اساس قول شیخ جلیل نعمانی در کتاب الغیبة که کتاب سلیم را از بزرگ‌ترین اصول شیعه می‌داند؛ هنگامی که سندهای چنین کتابی به ابان ختم شود، این اجماع دلالت بر وثاقت او دارد.

۲ - اعتماد برقی، صفار، ثقة الاسلام کلینی، نعمانی، صدوق و عیاشی و دیگر مشایخ عظام بر ابان. ^(۳) (مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۷۷۷)؛

علامه مامقانی: وی تضعیف ابن غضائری در مورد ابان را رد می‌کند و او را ممدوح امامی می‌داند. ^(۴)

آیت الله شبیری زنجانی: ایشان نیز سه دلیل بر مقبول بودن روایات ابان می‌آورد:

۱ - اعتمادی که به محدثان ثقة چون صفار، ابن بابویه و ابن ولید وجود دارد.

۱- امین، ج ۳، ص ۳۲.

۲- نمازی شاهرودی، ج ۱، ص ۸۳.

۳- همان، ج ۱، ص ۸۴.

۴- مامقانی، ج ۱، ص ۵۹ و ج ۲، ص ۵۵.

۲- اعتماد به روایتی که از او نقل روایت کرده‌اند.

۳- محکم بودن اخبار ابان و استواری و کیفیت متن آنها.^(۱)

علامه شوشتری معتقد است در این سند افتادگی وجود دارد و سند این گونه درست است: «... حماد بن عیسی عن ابراهیم بن عمر عن عمر بن اذینه عن ابان عن ابن ابی عیاش عن سلیم بن قیس».^(۲) با توجه به توضیحات سند نجاشی، سند می‌تواند به این شکل هم باشد: «حماد بن عیسی عن ابراهیم بن عمر عن سلیم بن قیس».

این سند نیز با لحاظ کردن قول رجال یون معاصر صحیح خواهد بود.

۴- اسناد دیگر شیخ طوسی

الف- الشیخ عن ابن ابی جید عن ابن الولید و ماجیلویه عن الصیرفی عن ابان عن سلیم.^(۳)

با توجه به سندهای قبلی این سند افتادگی دارد و «حماد بن عیسی عن ابراهیم بن عمر» افتاده است. تمامی روایت قبلاً بررسی شده که با توجه به قول معاصرین سند صحیح خواهد بود.

ب- قال الشیخ: أخبرنا أبو عبد الله بن عبيد الله الغضائري قال أخبرنا أبو محمد هارون بن موسى بن أحمد التلعكبري قال أخبرنا علي بن همام بن سهل قال أخبرنا عبد الله بن جعفر الحميري عن يعقوب بن يزيد و محمد بن الحسين بن أبي الخطاب و أحمد بن محمد بن عيسى عن محمد بن أبي عمير عن عمر بن اذینه عن ابان بن أبي عیاش عن سلیم بن قیس الهلالی.^(۴)

ابو عبد الله الحسين بن عبيد الله الغضائري: وی از مشایخ شیخ طوسی و نجاشی است و تردیدی در وثاقتش وجود ندارد.^(۵)

۱- سلیم بن قیس هلالی. همان. ص ۶۸. ۲- نستری. ج ۵، ص ۲۳۵.

۳- سلیم بن قیس. ص ۶۷. ۴- همان.

۵- نجاشی. ج ۱، ص ۱۹۰ و طوسی. رجال، ص ۴۲۵.

ابو محمد هارون بن موسی بن احمد التلعکبری: نجاشی و شیخ طوسی او را ثقه می دانند. (۱)

علی بن همام بن سهیل: نامی از این شخص در کتب رجالی وجود ندارد و آیه الله نمازی شاهرودی نیز این مطلب را تایید کرده است. (۲)

عبدالله بن جعفر الحمیری: نجاشی و شیخ طوسی او را توثیق کرده اند. (۳)
یعقوب بن زید: نجاشی و شیخ طوسی او را ثقه می دانند. (۴)

محمد بن حسین بن ابی الخطاب: در وثاقت وی هیچ تردیدی وجود ندارد و شیخ و نجاشی هم بر این امر صحه گذاشته اند. (۵)

احمد بن محمد بن عیسی: نجاشی در مورد او می گوید که رجالیون هیچ طعنی بر او وارد نکرده اند و شیخ قمی ها و فقیه آنها بوده است. شیخ طوسی هم تقریباً همین عبارات را در مورد او دارد. (۶)

محمد بن ابی عمیر: وی از اصحاب اجماع است (۷) و نجاشی و طوسی مطالب زیادی در مدح و توثیق او گفته اند.

عمر بن اذینه: هم نجاشی و هم شیخ او را ثقه می دانند. (۸)
به علت واقع شدن علی بن همام بن سهیل در این سند حدیث مهمل خواهد بود، چون نام این شخص در کتب رجالی ذکر نشده است.

مرکز تحقیقات و پژوهش علوم اسلامی

۱- نجاشی. ج ۲، ص ۴۲۷. طوسی. الفهرست، ص ۲۶۴.

۲- نمازی شاهرودی. ج ۵، ص ۴۹۶.

۳- نجاشی. ج ۲، ص ۱۹ - ۱۸ و طوسی. همان. ص ۴۰۰ و ۳۸۹.

۴- نجاشی. ج ۲، ص ۴۲۷ و طوسی. الفهرست، ص ۲۶۴.

۵- نجاشی. ج ۲، ص ۲۲۰ و طوسی. رجال طوسی. ص ۴۰۲، ۳۹۱ و ۳۷۹.

۶- نجاشی. ج ۱، ص ۲۱۷ - ۲۱۸ و طوسی. الفهرست، ص ۹ - ۶۸.

۷- مامقانی. المقباس. تلخیص علی اکبر غفاری. تهران: مکتبه الصدوق، ۱۳۶۹. ص ۱۱۰.

۸- نجاشی. ج ۲، ص ۷ - ۲۰۴ و طوسی. الفهرست، ص ۲۱۸.

۴ - سند مذکور در آغاز نسخه صاحب روضات و محدث

نوری^(۱)

ابوبکر عبدالرزاق بن همام بن نافع الصنعانی قال حدثنا ابو عروة معمر بن راشد البصري قال دعانی ابان بن عیاش قبل موته...

ابوبکر عبدالرزاق بن همام بن نافع الصنعانی: از امام باقر و امام صادق نقل حدیث کرده است و شیخ او را از علمای شیعه می‌داند. ابن حجر او را توثیق کرده است. از کتب عامه چنین استنباط می‌شود که وی از مصنفین شهر شیعی مذهب است.^(۲)

ابوعروة معمر بن راشد البصري: از اصحاب امام صادق و مجهول است.^(۳) با توجه به اینکه متن حدیث این سند دقیقاً شبیه به حدیثی است که در آن قضیه انتقال کتاب سلیم از ابان به عمر بن اذینه وجود دارد^(۴)، می‌توان گفت که در این سند ابن اذینه افتاده است.

۵ - سند کشی^(۵)

در اختبار معرفة الرجال دو سند در مورد کتاب سلیم وجود داد که ما برای رعایت اختصار فقط داوری آقای خوبی را در مورد آن می‌آوریم و از بررسی تک تک راویان آن خودداری می‌کنیم:

سند اول: حدثني محمد بن الحسن البرائي حدثنا الحسن بن علي بن كيسان عن اسحاق بن ابراهيم بن عمر اليماني عن ابن اذينة عن ابان ابن ابي عیاش قال: هذا نسخة كتاب سلیم...

۱- سلیم بن قیس. ص ۶۷.

۲- جواهری. ص ۳۱۶ و نمازی شاهرودی. ج ۴، ص ۴۳۰.

۳- جواهری. ص ۶۱۴. ۴- سلیم بن قیس. ص ۱۲۵.

۵- محمد بن حسن طوسی. اختبار معرفة الرجال. مصحح حسن مصطفوی. مشهد: انتشارات دانشگاه

مشهد، ۱۳۴۸ هـ.ش، ص ۱۰۴.

سند دوم: محمد بن الحسن حدثنا الحسن بن علی بن کیسان عن اسحاق بن ابراهیم عن ابن اذینه عن ابان عن سلیم...

آقای خوبی هر دو سند را ضعیف می‌داند و می‌گوید: «این دو روایت حداقل به جهت وجود حسن بن علی کیسان (در سلسله سند آن) ضعیف اند». همچنین ایشان معتقد است در این سند تحریفی روی داده است؛ چراکه اسحاق پسر ابراهیم بن عمر یمانی اصلاً وجود خارجی ندارد و ابراهیم بن عمر شخصاً از ابن اذینه نقل حدیث کرده است. ^(۱) علامه شوشتری نیز معتقد است که اسحاق بن ابراهیم بن عمر وجود ندارد. ^(۲)

ابو صادق سلیم بن قیس الهلالی العامری الکوفی

به دلیل اهمیت بحث درباره سلیم بهتر دیدیم آن را به طور جداگانه، و در آخر بیاوریم.

شیخ طوسی وی را از صحابه امیرالمؤمنین، امام حسن، امام حسین، امام سجاد و امام باقر (علیهم السلام) می‌داند. ^(۳) ولی با توجه به مطلبی که در ابتدای کتاب سلیم آمده است، در خصوص اینکه ^(۴) وی هنگام ورود حجاج بن یوسف (سال ۷۵ هجری قمری) از کوفه فرار می‌کند و پس از مدتی در نویندجان فارس از دنیا می‌رود، سلیم نمی‌تواند از اصحاب امام باقر (ع) باشد؛ حال آنکه امام باقر در سال ۹۶ هجری به امامت رسیده است. در مورد مقام و شخصیت سلیم بن قیس، باید گفت او ثقة، جلیل‌القدر و عظیم‌الشأن است و در این مورد شهادت برقی مبنی بر اینکه او از اولیاء اصحاب علی (ع) بوده است کفایت می‌کند. ^(۵) در ضمن حدیثی در الاختصاص شیخ مفید آمده است در مورد اینکه وی از شرطة الخمیس بوده

۱- خوبی. ج ۹، ص ۷ - ۲۳۶. ۲- تستری. ج ۵، ص ۶ - ۲۳۵.

۳- طوسی. رجال. ص ۱۳۶ - ۱۰۴ - ۱۰۱ - ۹۴ - ۶۶.

۴- سلیم بن قیس. ص ۱۲۵. ۵- خوبی. ج ۹، ص ۲۳۰.

است. (۱)

اگر ما اقوال علمای معاصر رجالی را در مورد ابان و محمد بن علی الصیرفی بپذیریم، سندهای نجاشی و شیخ طوسی در الفهرست صحیح خواهند بود. حال اگر قائل به ضعف ابان و صیرفی باشیم (بنابر قول متأخرین) آیا راه دیگری برای تصحیح سند کتاب و اعتماد بر آن باقی خواهد ماند؟ چند راه حل در این مورد بیان شده است:

۱- آیت الله مسلم داوری معتقد است که با ترکیب سند نجاشی و سندی از شیخ کلینی می توان سند را تصحیح نمود. هر کدام از این سندها دارای ضعف های هستند. در سند نجاشی محمد بن علی الصیرفی واقع شده است که ضعیف است و سند کلینی هم به ابان بن ابی عیاش ختم می شود که او را نیز تضعیف کرده اند. برای وضوح مطلب دو سند را در ذیل می آوریم.

الف - سند شیخ کلینی که در اجازات شیخ حر عاملی به فاضل مشهدی ذکر شده است: (۲)

عن کلینی عن محمد بن یحیی عن احمد بن محمد بن محمد بن عیسی و عن علی بن حسین عن ابیه جمیعاً عن حماد بن عیسی عن ابان بن ابی عیاش عن سلیم بن قیس. در این سند تمام راویان پیش از حماد بن عیسی ثقة هستند.

ب - سند نجاشی: عن ابن ابی جید عن ابن الولید عن ماجیلویه عن الصیرفی عن حماد بن عیسی عن ابراهیم بن عمر عن سلیم.

در سند فوق همه راویان پس از حماد بن عیسی ثقة هستند. حال اگر راویان قبل از حماد را از سند شیخ کلینی و راویان پس از حماد را از سند نجاشی بگیریم و ترکیب کنیم سندی صحیح به ترتیب سندی ذیل دست می آید:

۱- شیخ مفید، الاختصاص، تصحیح علی اکبر غفاری، تهران: مکتبه الصدوق، ۱۳۷۹، ق، ص ۳.

۲- محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، بیروت: دارالاحیاء التراث العربی، ۱۴۱۲، ق، ج ۱۰۷، ص ۶۹۲.

عن کلینی عن محمد بن یحیی عن احمد بن محمد بن عیسی و عن علی بن عیسی عن ابیه جمیعاً عن حماد بن عیسی عن ابراهیم بن عمر عن سلیم.^(۱)

۲- آیه الله بروجردی معتقد است، چون کتاب سلیم از طریق اجازه به ابان داده شده است (البته مناوله همراه با اجازه) معتبر است؛ زیرا اجازه سلیم در واقع اذعان کردن به صحت کتاب و ضبط آن و درستی طریق کتاب است و چیزهایی که در مورد ابان گفته می شود به اعتبار کتاب سلیم خدشه ای وارد نمی کند.^(۲)

آیه الله دآوری در مورد اجازه می گوید: «اجازه به منزله تصحیح است، به خصوص وقتی که متعلق اجازه مشخص نباشد، زیرا اجازه اذن مطلق نیست، بلکه اجازه دهنده به اینکه روایت خالی از تصحیف و خطا و تحریف و... باشد التفات داشته است». بر اجازه احکامی مترتب است که عبارتند از:

- ۱- وقتی کتاب یا روایت مشهور باشد احتیاجی به ذکر تصحیف نیست و تصحیح در اجازه موجود می باشد.^(۳) کتاب سلیم هم که کتاب مشهوری است شامل این قاعده می شود و تصحیح در اجازه سلیم از ابان موجود است.
- ۲- وقتی صدور کتاب از صاحبش مشهور و متواتر باشد، نقل از او کفایت می کند و ذکر سند فقط برای تیمن و تبرک است.^(۴)

اشکالات وارد بر کتاب سلیم

الف - اشکالات سندی

به عقیده ابن غضائری روایت مختلف و پریشان است. عمر بن اذینه گاه مستقیماً از ابان نقل می کند و گاه به واسطه ابراهیم بن عمر صنعانی.^(۵) این مطلب با

۱- محمد علی صالح المعلم. اصول علم الرجال. قم: مطبعة نمونه، ۱۴۱۶. ق. ص ۲۸۰.

۲- حسینی جلالی. ص ۱۰۲. ۳- علی صالح المعلم. ص ۲۵۸.

۴- مامقانی. تنقیح المقال فی علم الرجال، ج ۳، ص ۱۵۶.

۵- خوبی. ج ۹، ص ۲۲۸.

آنچه در مقدمه کتاب سلیم آمده هماهنگ است؛ چه در آنجا ابان کتاب سلیم را به عمر بن اذینه می‌سپارد. در بررسی سندها دیدیم که عمر بن اذینه به طور مستقیم از ابان، کتاب را نقل کرده است و این طور نبود که ابراهیم بن عمر صنعانی واسطه بین او و ابان شود. در ضمن ابراهیم بن عمر یمانی (صنعانی) خود از راویانی است که مستقیماً از سلیم نقل کرده است.

اشکال دیگری که از گفته‌های ابن غضائری بدست می‌آید این است که او هم ابان ابن ابی عیاش و هم ابراهیم بن عمر صنعانی را تضعیف کرده است^(۱) و چون هردوی اینها از راویان مستقیم کتاب سلیم هستند در نتیجه سند کتاب ضعیف خواهد بود. در بررسی اسناد به موضوع ابان بن ابی عیاش به طور مفصل پرداخته شد و توثیقات معاصرین در مورد او آورده شد. به فرض هم که توثیقات معاصرین را نپذیریم و ابان را ضعیف بدانیم باز هم می‌توان سند کتاب را صحیح دانست، زیرا نجاشی ابراهیم بن عمر را توثیق کرده است و تضعیف ابان از طرف ابن غضائری نمی‌تواند با این توثیق معارضه کند.

تبصره: سید علی بن احمد عقیقی می‌گوید: «غیر از ابان کسی از سلیم روایت نکرده است»^(۲) آقای بهبودی نیز سخنی به همین مضمون در کتاب معرفة الحديث آورده است.^(۳) این سخن با توجه به تضعیف ابان از سوی متأخرین، به این معناست که تمام روایات منتهی به سلیم ضعیف است. همان طوری که در گذشته آوردیم، ابراهیم بن عمر کتاب سلیم بن قیس را از خود او روایت کرده است. و اینگونه نیست که روایت منحصر به ابان بن ابی عیاش باشد. آیت الله خویی در مورد سخن عقیقی می‌گوید: «آنچه عقیقی گفته است قطعاً غلط است، چون طرقي غیر از ابان در کافی و دیگر کتب موجود است»^(۴) آیت الله داورى هم معتقد است که طرق سلیم منحصر به ابان نیست.^(۵) آقا بزرگ تهرانی در این مورد می‌گوید: «مراد

۱- خویی، ج ۹، ص ۲۳۵.

۲- علامه حلی، ص ۱۶۲.

۳- بهبودی، ص ۲۵۸.

۴- خویی، ج ۹، ص ۲۳۵.

۵- علی صالح المعلم، ص ۲۷۹.

سید علی بن احمد عقیقی و کسانی مثل ابن ندیم که از او پیروی کرده‌اند جز این نیست که فقط ابان کتاب را به طریق مناوله از سلیم گرفته است. یا اینکه سخن آنها حاکی از عدم آگاهی ایشان به روایاتی است که کسی غیر از ابان از سلیم نقل کرده باشد.^(۱) حتی ابن غضائری هم معتقد است که طرق منتهی به سلیم، منحصر در ابان بن ابی عیاش نیست.^(۲)

ب - اشکالات محتوایی

ابن غضائری به ذکر دو اشکال محتوایی از کتاب سلیم اکتفا کرده است^(۳) و کتاب را بر این اساس موضوع می‌داند:

۱ - در این کتاب نقل شده است که محمد بن ابی بکر پدرش را هنگام مرگ نصیحت کرد، در حالی که محمد بن ابی بکر در حجة الوداع به دنیا آمد و در آن زمان تنها چهار سال داشت.

۲ - در یکی از روایات کتاب آمده است که ائمه سیزده نفر هستند. در پاسخ به این اشکالات باید گفت:

در نسخی از کتاب (که به میرزای استرآبادی و فاضل تفرشی رسیده است) آمده است که عبدالله بن عمر پدرش را نصیحت کرد نه محمد بن ابی بکر، و نیز آمده است که ائمه از نسل اسماعیل سیزده نفر هستند.^(۴)

آیه الله خویی در مورد روایت وعظ می‌گوید: «اگر موعظه کردن ابوبکر به وسیله پسرش محمد در هنگام مرگ درست باشد ممکن است کرامت و خرق عادت باشد، هرچند در حالت عادی ممکن نیست».

ایشان همچنین با ذکر چند حدیث ثابت می‌کند که نسبت دادن آن روایت (که ائمه سیزده نفر هستند) به کتاب سلیم نادرست است.^(۵)

۱- آقا بزرگ تهرانی، ج ۲، ص ۱۵۴.

۲- خویی، ج ۹، ص ۲۲۸.

۳- همان، ص ۲۲۸.

۴- همان، ص ۲۳۰.

۵- همان، ص ۲۳۱ - ۴.

نهایت چیزی که می‌توان در این مورد گفت آن است که نسخه ابن‌غضائری از کتاب سلیم شامل این روایت بوده است؛ چنان‌که شیخ مفید هم شهادت داده‌اش که در نسخه تدلیس و تخلیط وجود دارد.^(۱)

علامه شوشتری وجود حدیث و عظم را در کتاب سلیم می‌پذیرد، ولی حدیث دوم را (در مورد تعداد امامان) با ذکر چند نمونه از اصول کافی رد کرده است و آن را تصحیف و خطا می‌داند.^(۲)

از طرف دیگر اشتمال کتاب بر یک یا دو امر باطل، دلیلی بر موضوع بودن آن نیست؛ چه اگر اینگونه باشد کتاب کافی هم که احادیثی باطل در بردارد کتابی موضوع خواهد بود. علامه شوشتری در این مورد می‌گوید: «در کتاب موضوع، مطالب صحیح در اقلیت هستند همانند تفسیری که به امام حسن عسکری (ع) نسبت می‌دهند. در حالی که در این کتاب (کتاب سلیم) برعکس است و در آن جز خبر و عظم، کذب آشکاری مشاهده نمی‌شود.»^(۳) آقای بهبودی هم در کتاب معرفة الحدیث چند مورد از تعارضات کتاب سلیم و احادیثی را که به نظر ایشان موضوعند آورده است.^(۴) همین اشکال بر قول ایشان نیز وارد است چرا که وجود چند حدیث باطل در یک کتاب دلیلی بر موضوع بودن آن نخواهد بود. ضمن اینکه ایشان این اشکالات را فقط از نسخه نجف استخراج کرده است و از دیگر نسخه‌ها سخنی به میان نیاورده است، در حالی که کتاب سلیم دارای نسخه‌های دیگری نیز هست.

سخن آخر

از مطالبی که در قسمت بررسی سندها گفته شد دانستیم که با لحاظ کردن توثیقات معاصرین، سند شیخ طوسی (در الفهرست) و سند نجاشی صحیح خواهند بود و راه حل‌هایی نیز در صورت عدم پذیرش این توثیقات، برای تصحیح

۲- تستری، ج ۵ ص ۲۳۹ - ۲۳۶.

۱- همان، ص ۲۳۴.

۴- بهبودی، ص ۲۵۷ - ۲۵۶.

۳- همان، ج ۵، ص ۲۳۹.

سند کتاب بیان کردیم. در مجموع می توان گفت: کتاب سلیم دارای سندی صحیح است. اما در مورد محتوای آن مدعی نیستیم که تمام و کمال صحیح باشد. بلکه در آن تصحیفات و تحریفاتی رخ داده است و احيانا احادیث موضوع نیز در آن وارد شده است. به عقیده نگارنده عمده اختلاف صاحب نظران در مورد کتاب سلیم، به اختلاف نسخه هایی است که در دسترس داشته اند. زیرا هریک بر اساس نسخه ای که در اختیارش بوده داوری کرده است. از این رو می بینیم که نعمانی آن را کاملاً صحیح و ابن غضائری آن را موضوع و شیخ مفید دارای تخیل و تدلیس می داند. بنابراین می توان گفت که اصل کتاب سلیم صحیح بوده است و در طول تاریخ و به مرور زمان، تحریفاتی در آن صورت گرفته است.

منابع

۱. الاسدی، حسن بن یوسف بن مطهر. خلاصة الاقوال فی معرفة الرجال. قم: انتشارات اسلامی، ۱۴۱۷ ق.
۲. امین، سید محسن. عیان الشیعه. چاپ پنجم بیروت: دارالتعارف للمطبوعات، ۱۴۲۰ ق.
۳. بهبودی، محمد باقر. معرفة الحديث. تهران: مرکز انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۲.
۴. تستری، محمد تقی. قاموس الرجال. چاپ دوم. قم: انتشارات اسلامی، ۱۴۱۰ ق.
۵. تهرانی، آقابزرگ. الذریعة الی تصانیف الشیعه. تهران: چاپخانه مجلس شورای ملی. ۱۳۶۰ ق.
۶. جابلقی بروجردی، سید علی اصغر. طوائف المقال فی معرفة طبقات الرجال. تحقیق: سید مهدی رجائی. قم: کتابخانه آیه الله مرعشی، ۱۴۱۰ ق.
۷. الجواهری، محمد. المفید من معجم رجال الحديث. چاپ دوم. قم: کتابخانه محلاتی، ۱۴۱۷ ق.

۸. حسینی جلالی، محمدرضا. المنهج الرجالی و العمل الرائد فی الموسوعة الرجالیة لسید الطائفة آية الله العظمی بروجردی. قم: مكتب الاعلام الاسلامی، ۱۳۷۸.

۹. خویی، سید ابوالقاسم. معجم رجال الحديث. چاپ پنجم. قم: مرکز نشر فرهنگ اسلامی، ۱۴۱۳ ق.

۱۰. طوسی، محمد بن حسن. الفهرست. تحقیق: نشر فقاہت. قم: مؤسسه نشر فرهنگ اسلامی، ۱۴۱۷ ق.

۱۱. طوسی، محمد بن حسن. رجال الطوسی. تحقیق جواد قیومی اصفهانی. قم: انتشارات اسلامی، ۱۴۱۵ ق.

۱۲. طوسی، محمد بن حسن. اختبار معرفة الرجال. تحقیق: حسن مصطفوی. مشهد: انتشارات دانشگاه مشهد، ۱۳۴۹.

۱۳. عسقلانی، ابن حجر. تهذیب التهذیب. چاپ دوم. بیروت: داراحیاء التراث العربی، ۱۴۱۸ ق.

۱۴. علی صالح المعلم، محمد علی. اصول علم الرجال. قم: نمونه، ۱۴۱۶ ق.

۱۵. مامقانی، عبدالله. تنقیح المقال فی علم الرجال. تهران: انتشارات جهان.

۱۶. مامقانی، عبدالله. تلخیص المقباس. تلخیص علی اکبر غفاری. تهران: صدوق، ۱۳۶۹.

۱۷. مفید، محمد بن محمد بن نعمان. الاختصاص. تصحیح علی اکبر غفاری. تهران: صدوق، ۱۳۷۹.

۱۸. مجلسی، محمد باقر. الوجیزه فی الرجال. تصحیح و تحقیق: محمد کاظم رحمان ستایش. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۴۲۰ ق.

۱۹. مجلسی، محمد باقر. بحار الانوار. بیروت: داراحیاء التراث العربی و مؤسسة التاریخ العربی، ۱۴۱۲ ق.

۲۰. مؤدب، رضا. علم الحديث: پژوهشی در مصطلح الحديث و علم الدراية. قم: احسن الحديث، ۱۳۷۸.

۲۱. نجاشی، احمد بن علی. رجال النجاشی. تحقیق: محمد جواد نائینی. بیروت: دارالاضواء، ۱۴۰۸ ق.
۲۲. نعمانی، محمد بن ابراهیم. غیبت نعمانی. چاپ دوم. ترجمه محمد جواد غفاری. تهران: صدوق، ۱۳۷۶.
۲۳. نمازی شاهرودی، شیخ علی. مستدرکات علم رجال الحدیث. اصفهان: فرزند مؤلف، ۱۴۱۲ ق.
۲۴. الهلالی، سلیم بن قیس. کتاب سلیم بن قیس الهلالی. تحقیق محمد باقر انصاری. قم: دلیل ما، ۱۴۱۲ ق.

